شورای عالی قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه فاطمه الزهراء سلام الله علیها خوراسگان

موضوع:

حب الله از دیدگاه قرآن

استاد راهنما:

سرکار خانم مقتدایی

پژوهشگر:

مرضیه ربانی خوراسگانی

بهار ۱۳۹۳

چکیده:

واژهٔ حب به معنی دوستی و اختیار می باشد و ۸۰ مرتبه با مشتقاتش در قرآن به کار رفته که فعل ثلاثی مجرد آن مطلقاً به کار نرفته است و بیشتر در باب افعال به کار رفته است.

محبت یک جاذبهٔ روحانی است که محب و محبوب را با هم مرتبط می گرداند گاه ممکن است این جذبه بین عاشق و معشوق باشد و گاهی بین دو دوست و گاهی ما بین مادر و فرزند . از جمله محبت‌های ممدوحه حب الله است که دوستی در راه خدا باشد که عالیترین نمونه آن عشق بندگان خالص به حضرت حق تعالی می باشد که حاضرند سر و جان خود را فدای خدا کنند و از آنچه دارند بگذرند مانند حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) که عالیترین نمونه عشق به الله است که با تمام وجود، هستی خود را در راه دین خدا فدا کردند.

بنابراین بر ما لازم است تا آیاتی از قرآن را که واژه حب و دوستی در جهت مثبت بکار رفته را بررسی کرده تا بتوانیم به حب الله از نظر قرآن دسترسی پیدا کرده و انشاء الله جامهٔ عمل بدان بپوشانیم امید است این ناچیز مقبول درگاه احدیت قرار گیرد.

و من الله توفیق

کلید واژه: حب، الله، قرآن، محبت

مقدمه

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند　　فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیـوانـه کنـی هـر دو جـهانش بخـــشی　　دیـوانهٔ تو هر دو جهان را چه کنـد

مدتی بود این مسأله ذهنم را به خود مشغول کرده بود که چه کنیم تا محب حضرت حق باشیم. پس از بررسی و تحقیق تصمیم گرفتم تا واژهٔ حب را از نظر قرآن بررسی کرده و توفیق حاصل شد که به قرآن مراجعه کنیم.

واژهٔ حب و مشتقاتش در قرآن حدوداً ۸۰ مرتبه بکار رفته است که فعل ثلاثی مجرد آن بکار نرفته است ولی مصدر آن از باب افعال و تفعیل و استفعال آمده است و استعمال شایع آن از باب افعال است برخی از آیات بیانگر صفت حب به خداوند است که خداوند چه چیزها و چه اشخاصی را دوست دارد و بر اساس آیات قرآن خدا گروه‌های زیر را دوست دارد.

۱- محسنین و نیکوکاران سورهٔ بقره آیه ۱۹۵، سورهٔ آل عمران، آیه ۱۳٤ و ...

۲- توابین: توبه کنندگان سورهٔ بقره آیه ۲۲۲

۳- متطهرین: پاکیزگان سوره بقره آیه ۲۲۲

٤- متقین: پرهیزگاران سوره آل عمران، آیه ۷٦

۵- صابران: سوره آل عمران، آیه ۱٤٦

٦- متوکلان: سوره آل عمران، آیه ۱۵۹

۷- مقسطین: عدالت پیشگان، سوره مائده، آیه ٤۲

۸- مجاهدان: سوره صف، آیه ٤

۹- مطیعان و پیروان راستین انبیاء سوره آل عمران آیه ۳۱

حال این سؤال مطرح می شود که چگونه انسان می‌تواند محبوب خداوند واقع شود؟

پاسخ اجمالی:

محبت از ریشه حب به معنای دوستی است، محبت خداوند به بندگان به معنای متفاهم عرفی نیست زیرا لازمهٔ این معنای عرفی افعال نفسانی اوست که خداوند از آن پاک و منزه است. بلکه حب خداوند به بندگان، ناشی از حب او به ذات خویش است. خداوند افعال خویش را دوست می دارد و چون مخلوقاتش فعل اویند، آنها را نیز دوست می دارد. راه‌های رسیدن به محبت الهی چنان که در قرآن کریم در اوصاف محبوبانش بیان کرده است راه‌هایی مانند صبر، تقوا، توبه، احسان، پاکی، جهاد و مبارزه و ... است که انسان می‌تواند با پیمودن این راه‌ها و متصف شدن به این اوصاف، مورد محبت خدای متعال قرار گیرد.

پس همه موجودات جهان، محبوب خداوند متعال‌اند، لکن آنچه در این جا ما در پی آنیم محبوب بودن انسان‌هاست به معنای خاص آن، که در ادامه بحث به آن اشاره خواهیم کرد.

حب الله

حب الله و عشق به خدا عالیترین احساسی است که دل انسانی با آن آشنایی دارد. عشق به خدا همچون سدفولادین جلو تسویلات شیطانی را می‌گیرد و انسان را از دام هوی و هوس‌های ناپایدار می‌رهاند. کمال‌دوستی در انسان فطری است و هر انسان به فطرت اولیه خود کمال دوست است. خداوند سبحان یگانه موجودی است که کمال مطلق است و همهٔ نیکوئی‌ها و کمالات در ذات او گرد آمده و از همهٔ بدیها و از هر آنچه نکوهیده است بریء است.

او خوب محض است و هیچ موجودی در خوبی به او نرسد او منبع خوبیهاست و هر موجود خوب و نیکو خوبی و نیکویی را از او دارد و هیچ موجود دیگری به قدر او سزاوار دوست داشتن نیست جز او هیچ محبوب دیگر دوام و بقاء ندارد و هیچ موجود دیگری حب و دوستی را نشاید. تو ای خدا به هر خوبی آراسته‌ای و از هر زشتی پیراسته‌ای! عزت وجمال و قدرت وکمال و ملک و جلال از آن توست تو ای عزیزتر از هر عزیز و عادلتر از هر عادل و مهربانتر از هر مهربانی ای خدای هستی‌بخش من چگونه به تو عشق نورزم، تو چندان مرا دوست داری که میان این همه موجودات، جمادات، نباتات و حیوانات و سنگها و درختان و جانداران گوناگون، به من انسانیت بخشیدی.

مرا به صورت زیبای انسانی آفریدی به من روح انسانی دادی و به عقل و هوش و عواطف انسانی آراستی. در دامان مادری مهربان بپروردی و در پستان مادرم شیر آفریدی و در آغوش او جایم دادی. همواره مرا به لطف خویش بنواختی و انواع نعمتها به من ارزانی داشتی تو همواره پناهگاه و امیدبخش و یاور من در مراحل زندگی هستی. دوست من و مونس من به تنهایی و مایه سرور دلم به وقت غم و اندوه تویی. جز تو ای خدای من کسی شایسته آن نیست که من به او مهر ورزم و عشق اور را به دل پذیرا باشم.

در تعدادی از آیات قرآن، جهاد امر شده جهاد به طور حتم به حال انسان خداشناس بهتر است زیرا نتیجه آن یا غلبه و خطر و سرافرازی است و یا شهادت و فوز به درجات بهشت است.

قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذينَ يُقاتِلُونَ فی سَبيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوص[۱]».

همانا خدا دوست می‌دارد کسانیکه در راه خدا جهاد در جنگ می‌کنند و مانند سد آهنین همدست و پایدارند.[۲]

بنابراین نفس پیکار مطرح نیست، آنچه مهم است اینکه پیکار فِی سَبِیلِ اللَّهِ باشد، و آنهم با اتحاد و انسجام کامل همانند سدی فولادین.

صف در اصل معنی مصدری دارد، و به معنی قرار دادن چیزی در خط صاف است، ولی در اینجا معنی اسم فاعل را دارد.

«مرصوص» از ماده «رصاص» به معنی سرب است، و از آنجا که گاه برای استحکام و یکپارچگی بناها سرب را آب می‌کردند و در لابلای قطعات آن می‌ریختند به طوری که فوق العاده محکم و یکپارچه می‌شد به هر بنای محکمی «مرصوص» اطلاق می‌شود.

و در اینجا منظور این است که مجاهدان راه حق در برابر دشمن یک دل و یک جان و مستحکم و استوار بایستند، گویی همه یک واحد بهم پیوسته‌اند که هیچ شکافی در میان آن نیست. لذا در تفسیر علی بن ابراهیم می‌خوانیم که در توضیح این آیه فرمود: «یصطفون کالبنیان الذی لا یزول» مجاهدان راه خدا صف می‌کشند همانند بنائی که هرگز ویران نمی‌گردد.

در حدیثی آمده است که أمیر مؤمنان علی (علیه السلام) در میدان «صفین» هنگامی که می‌خواست یاران خود را آماده پیکار کند فرمود: «خداوند عزّوجل شما را به این وظیفه راهنمایی کرده است و فرموده «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقاتِلُونَ فِی سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ»، بنابراین صفوف خود را همچون یک بنای آهنین محکم کنید، آنها که زره پوشند مقدم شوند، و آنها که بی‌زره‌اند پشت سر آنان قرار گیرند، دندانها را محکم به هم بفشارید که ... و در

۱- همان

۲- تفسیر نور الثقلین، ج۵، ص ۳۰۱، نهج البلاغه، خطبه ۱۲٤

برابر نیزه‌ها در پیچ و خم باشید که برای رد کردن نیزه دشمن مؤثرتر است، به انبوه دشمن خیره نگاه نکنید تا قلبتان قوی‌تر و روحتان آرامتر باشد، سخن کمتر بگوئید که سستی را دور می‌کند، و با وقار شما مناسبتر است، پرچمهای خود را کج نکنید و آنها را از جا تکان ندهید، و جز به دست دلیران مسپارید[۱]

و قرآن باز در جای دیگر می فرماید:

«فَلْيُقاتِلْ فی سَبيلِ اللَّهِ الَّذينَ يَشْرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا بِالْآخِرَةِ وَ مَنْ يُقاتِلْ فی سَبيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتيهِ أَجْراً عَظيماً»[۲].

کسی‌که در راه خدا جنگ نموده است کشته شود یا پیروز گردد در آینده به او پاداش بزرگ خواهیم داد .

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) از امیر مؤمنان علی(علیه السلام) چنین نقل می‌کند که هنگامی که حضرت مشغول ایراد خطبه بود و مردم را به جهاد تشویق می‌کرد جوانی برخاست و عرض کرد: ای امیرمؤمنان فضیلت جنگجویان در راه خدا را برای من تشریح کن امام در پاسخ فرمود: من بر مرکب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و پشت سرآن حضرت سوار بودم و از غزوه ذات السلاسل بر می‌گشتم همین سؤال که تو از من نمودی من از حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) کردم پیامبر فرمود:

هنگامی‌که جنگجویان، تصمیم به شرکت در میدان جهاد را می‌گیرند خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آنها مقدر می‌دارد و هنگامی‌که سلاح برمی‌دارند و آمادهٔ میدان می‌شوند فرشتگان به وجود آنها افتخار می‌کنند و هنگامیکه همسر و فرزندان و بستگان، با آنها خداحافظی می‌کنند از گناهان خود خارج می‌شوند از این موقع آنها هیچ کاری نمی‌کنند مگر اینکه پاداش آنها مضاعف می‌گردد و در برابر هر روز، پاداش عبادت هزار عابد برای آنها نوشته می شود و هنگامی‌که با دشمنان روبرو می شوند مردم جهان نمی‌توانند ثواب آنها را درک کنند و هنگامی‌که گام به میدان برای نبرد بگذارند و نیزه ها و تیرها رد و بدل شود وجنگ تن به تن شروع گردد، فرشتگان با بال و پر خود اطراف آنها را می‌گیرند و از خدا تقاضا می‌کنند که در میدان نبرد ثابت قدم باشند.

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲٤، ص ٦٥

۲- سوره نساء، آیه ۷٤

در این هنگام منادی صدا می‌زند «الجنة تحت خلال السیوف».

بهشت در سایه شمشیرهاست در این هنگام ضربات دشمن بر پیکر شهید، ساده تر و گواراتر از نوشیدن آن خنک در روز گرم تابستان است و هنگامی‌که شهید از مرکب خود فرو می‌غلطد، هنوز به زمین نرسیده، حوریان بهشتی به استقبال او می‌شتابند و نعمتهای بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته است، برای او شرح می‌دهند و هنگامی که شهید بر روی زمین قرار می‌گیرد، زمین می‌گوید آفرین بر روح پاکیزه‌ای که از بدن پاکیزه پرواز می‌کند بشارت باد بر تو.

«إن لک ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر».

نعمت‌هایی در انتظار توست که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است و خداوند می‌فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم و هر کس آنها را خشنود کند مرا خشنود کرده است و هر کس آنها را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.[۱]

۱- به نقل از مجمع البیان

نتیجه

و در اینجاست که به اهمیت جهاد فی سبیل الله پی می‌بریم که اگر جهاد نباشد کشور از گزند دشمنان داخلی و خارجی مصون نمی‌ماند و از اسلام و دین خبری نبود و لذا صراحتاً خداوند بیان می‌فرماید: خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار کنند و چون بنایی آهنین.

در پایان سخنم را با حدیث معروف قرب نوافل که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمده به انجام می‌رسانم که حضرت فرمودند: خدای متعال به من فرمود: « ما یتقرب الی عبدٍ من عبادی بشیءٍ احبّ الی مما افترضت و انه لیتقربّ الی بالنوافلة حتی احبه ...» هیچ چیز به اندازه واجبات بنده را به من نزدیک نمی‌کند، اما بندهٔ من از راه نوافل (مستحبات) و انجام عبادتهای مستحب به من نزدیک می‌گردد تا آنجا که محبوب من می‌گردد، اگر محبوب من شد، آن گاه من زبان او می‌شوم و او را با فیض خاص من که در مقام فعل به صورت زبان او درآمده است سخن می‌گوید و چشم او می‌شوم و او با فیض خاص من که در مقام فعل به صورت چشم او در آمده است می‌بیند، بر همین اساس کلام مؤمنی که محبوب خدا شد به منزلهٔ کلام خداست.[۱]

همچنین اگر انسان محبوب خداوند واقع شد بالاتر از محبوبیت، خداوند عاشق او می‌شود بر اساس احادیث وارده از پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمود: «إذا احبَّ الله عبداً عشقه و عشق علیه، فیقول عبدی انت عاشقی و محبی و انا عاشق لک و محّب لک، ان اردت او لم ترد»

زمانی که بنده‌ای محبوب خدا می‌شود، خداوند او را عاشق خویش می‌گرداند و خود او نیز به او عشق می‌ورزد. سپس می‌گوید: بنده من تو عاشق و دوستدار منی و من نیز عاشق و محب تو هستم چه بخواهی چه نخواهی.[۲]

۱- تحف العقول، ص ٤٤٨

۲- همان، ص ٤٨٩

فهرست منابع

* **قرآن کریم**

۱- تجلیل، ابوطالب، **کتاب ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها**، بی‌جا، بی‌تا

۲- دستغیب شیرازی، عبد الحسین، **گناهان کبیره**، دار الکتب الاسلامیه، بی‌جا، ۱۳۸۱

۳- راغب اصفهانی،حسین بن محمد، **مفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دمشق، ١٤١٢ق

٤- سبحانی، جعفر، **سیمای انسان کامل در قرآن**، بی‌جا، بی‌تا

٥- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ١٣٧٤